

Governance and Economic Growth

Seyed Ahmadreza Jalali-Naini¹ | ahmad_jalali@hotmail.com
Mohamadamin Yahyaabadi²
Hosein Alipour³

Received: 05/Jan/2025 | Accepted: 12/Feb/2025

Abstract Good governance plays a critical role in fostering economic growth and development through multiple channels, including the formulation of effective economic strategies, the establishment of institutional infrastructure, and the implementation of policies that optimize resource allocation. Additionally, it contributes to reducing uncertainty and risk for economic actors, thereby facilitating long-term domestic and foreign investment. The extent and mechanism through which governance influences economic growth, development, and poverty alleviation constitute not only a central topic in the academic discourse but also a pressing concern for economists, policymakers, and development practitioners. This study empirically examines the impact of key governance indicators-corruption control, rule of law, and government effectiveness-on economic growth. To enhance the analytical framework, the research incorporates variables related to economic governance, along with the interaction effects between governance sub-indicators, physical capital, and human capital. The empirical analysis employs a panel data approach, utilizing data from 51 countries over the period 2000–2020, sourced from the World Bank. The findings reveal that the composite index of rule of law, corruption control, and government effectiveness exerts a statistically significant and positive effect on economic growth. Furthermore, the interaction effects among these governance dimensions also demonstrate a meaningful and positive influence on economic expansion.

Keywords: Governance, Good Governance, Rule of Law, Control of Corruption, Government Effectiveness, Economic Growth.

JEL Classification: E20, E32, E6.

1. Professor, Department of Economics and Systems, Institute for Management and Planning Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author).
2. M.A. in Economic and Systems, Institute for Management and Planning Studies, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Institute for Management and Planning Studies, Tehran, Iran.

بررسی اثر حکمرانی بر رشد اقتصادی بر پایه داده‌های

پانلی

ahmad_jalali@hotmail.com

سیداحمد رضا جلالی نائینی

استاد گروه اقتصاد و سیستم‌ها، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

محمدامین یحیی آبادی

کارشناسی ارشد اقتصاد و سیستم‌ها، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

حسین علی‌پور

استادیار گروه مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

چکیده: حکمرانی خوب از چند مسیر متفاوت می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار باشد؛ مواردی مشابه تعیین راهبرد مناسب برای رشد اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌های نهادی و تدوین سیاست‌های اقتصادی برای تخصیص بهتر منابع، کاهش ناطمینانی و ریسک برای فعالان اقتصادی و به دنبال آن جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت داخلی و خارجی. اینکه حکمرانی خوب چه نقشی و چه میزان تأثیری بر رشد، توسعه اقتصادی و کاهش فقر دارد نه فقط یک پرسش مطرح در ادبیات موضوع بلکه دغدغه‌ای مهم برای اقتصاددانان، سیاست‌گذاران و مدیران عرصه توسعه شده است. در پژوهش پیش‌رو، اثر کنترل فساد، حاکمیت قانون و اثربخشی دولت به‌عنوان زیرشاخص‌هایی از حکمرانی بر رشد اقتصادی آزمون شده است. همچنین، برای تکمیل الگو از متغیرهای حکمرانی اقتصادی، برهم‌کنش میان زیرشاخص‌های حکمرانی با نماینده‌های سرمایه‌فیزیکی و سرمایه انسانی و حکمرانی اقتصادی در الگوی آزمون تجربی مجموعه‌ای از کشورها در قالب یک الگوی پانل‌وار استفاده شده است. در پژوهش پیش‌رو، داده‌های مربوط به ۵۱ کشور به‌صورت نیمه‌تصادفی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ از بانک جهانی جمع‌آوری شده است. براساس نتایج به‌دست آمده، شاخص ترکیبی حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، مؤلفه‌های برهم‌کنش مذکور نیز اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی خوب، کنترل فساد، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، رشد اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: E02, E32, E6.

مقدمه

از آن جایی که سنگ بنای توسعه و رفاه اقتصادی، رشد پایدار اقتصادی است، کشورها غالباً در تکاپو برای دستیابی به رشد و رفاه اقتصادی پایدار هستند. رشد اقتصادی به افزایش تولید کالاها و خدمات و درآمد سرانه یک کشور در طول زمان اشاره دارد و در رابطه با این موضوع مطالعات اقتصادی و صاحب نظران به دنبال پاسخ به این پرسش بوده اند که علت تفاوت درآمد سرانه در میان کشورهای مختلف چیست؟ به علت اهمیت این موضوع، جایزه نوبل اقتصادی ۲۰۲۴ نیز به افرادی که در این باب مطالعات ارزشمندی در نحله فکری نونهادگرایان داشته اند، تعلق گرفت.

پژوهشگران حوزه رشد و توسعه برای رمزگشایی از این فرایند، الگوهای مشخصی با رویکردهای متفاوت ارائه کرده اند. بخش بزرگی از مطالعات، رشد اقتصادی را معلول متغیرهای برون زایی چون انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی و رشد نیروی کار و افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌داند (سولو، کاس-کوپمن). برخی دیگر، با درون‌زا کردن شماری از این متغیرها به این موضوع پرداخته اند (Arrow, 1962; Romer, 1994; Rebelo, 1991). ذیل الگوهای متعارف رشد اقتصادی درون‌زا یا برون‌زا، معمولاً فرض می‌شود که نظام حاکم بر تخصیص منابع و انباشت سرمایه، سازوکار بازار رقابتی کامل است. این فرض، پس‌زمینه‌ای است برای آنکه فرایند رشد اقتصادی و پویایی آن در قالب یک نهاد اقتصادی-اجتماعی با حداقل هزینه مبادله، رانت‌جویی و رقابت غیراقتصادی تبیین شود؛ اما در واقعیت، چنین فضایی بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم نیست. به علاوه، مجموعه منحصربه‌فردی از نهادها وجود ندارد که بتوان آن‌ها را برای هر اقتصاد مبتنی بر سازوکار بازار، با پیشینه‌ها و مواهب متفاوت، در نظر گرفت. نسخه واحدی نیز برای دستیابی به رشد پایدار و باکیفیت اقتصادی که قابلیت انطباق با همه اقتصادها را داشته باشد، نمی‌توان تجویز کرد.

اجم اوغلو و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، به این نکته اشاره دارند که رشد اقتصادی صرفاً یک رابطه فنی میان نهاد (سرمایه) و ستانده (تولید) نیست بلکه در یک متن یا ظرف اجتماعی محقق می‌شود و فرایندی است که در آن بازیگران و ذی‌نفعان مختلف حضور دارند و قاعده بازی، نحوه تعامل آن‌ها را تعیین می‌کند (Xu et al., 2021). نورث^۲ (۱۹۹۰)، بیان می‌کند که نهادها قوانین بازی در یک جامعه هستند که در طول زمان توسط انسان‌ها شکل گرفته‌اند. نورث (۱۹۹۰)، با دسته‌بندی این قوانین به دو دسته رسمی (قانون اساسی و قانون مصوب حفاظت از حقوق مالکیت) و غیررسمی (آداب و

1. Acemoglu et al

2. North

رسوم رایج در یک جامعه) نشان می‌دهد که این قیود درنهایت، ساختار سیاسی، اقتصادی و روابط اجتماعی بین انسان‌ها را شکل می‌دهند. ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، بیان می‌کنند که نهادها یا قواعد بازی زایدۀ نحوه تعامل بین سه رکن دولت، بازار و مردم هستند. از این رو، لازمهٔ بهبود نهادهای حاکم بر رفتارها و روابط افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، ایجاد ارتباطی پویا و کارآمد میان آن‌ها است که به برآیند این تعامل، حکمرانی می‌گویند. به عبارت دیگر، مثلث دولت، بازار و مردم بر شکل‌گیری، تجهیز و تخصیص منابع اثرگذارند و نهادهای برخاسته از تعامل میان آن‌ها بر فرایند رشد و توسعه اثر گذارند. با این شناخت و نگاه، طی سه دهه گذشته، پژوهش‌گران و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه رشد و توسعه به دنبال شناسایی نهادهایی بوده‌اند که با گسترش قانونمندی، شفافیت و مشارکت طبقات مختلف جامعه و ایجاد فضایی برای رقابت برابر، زمینه برای تجهیز و تخصیص بهتر منابع، کارایی بالاتر و رشد پایدار اقتصادی را فراهم آورد. منظور از «حکمرانی شایسته» یک مجموعه نهادی است که ظرفیت‌های فوق‌الذکر را بالفعل می‌کند.

اگرچه ممکن است در مورد تعریف «حکمرانی شایسته» یا «حکمرانی خوب» میان کارشناسان اتفاق‌نظری وجود نداشته باشد؛ اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که در حکمرانی شایسته حتی‌الامکان باید از بروز مواردی مثل حضور افراد غیرمتخصص در دیوان‌سالاری‌ها، اجرای سیاست‌های پراکنده و ناهماهنگ، فساد مالی کارگزاران دولتی، عدم شفافیت و عدم پاسخ‌گویی جلوگیری شود. حکمرانی خوب از مسیرهای زیادی مانند تعیین راهبرد مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌های نهادی و تدوین سیاست‌های اقتصادی برای تخصیص بهتر منابع، کمک به مشارکت گسترده‌تر اقشار اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی، محدود کردن رانت و کاهش ریسک برای فعالان اقتصادی می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی کمک نماید (Lim et al., 2017). گریندل^۲ (۲۰۰۷)، بیان می‌کند که ممکن است رشد اقتصادی در ابتدا توسط تغییرات کوچک اما مهم تحریک شود ولی در بلندمدت، تنها نهادهایی که ذیل حکمرانی خوب تعریف می‌شوند توانایی احراز رشد پایدار اقتصادی را دارند. کوفمن و لاباتون^۳ (۱۹۹۹)، شاخص‌های حکمرانی را در ۶ دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

1. Zhang et al
2. Grindle
3. Kaufmann & Labaton

حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^۱، ثبات سیاسی^۲، اثربخشی دولت^۳، کیفیت مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری^۴، حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد^۶.

حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی از نظر اخلاقی و حکمرانی به‌معنای آزادی در اظهارنظر و مسئولیت‌پذیری است (Dykstra, 1938). ثبات سیاسی به‌معنای وجود فضای سیاسی و اجتماعی آرام و قابل‌اعتماد، تداوم در قوانین، مدیریت و سیاست‌ها و همچنین به‌معنای عدم وجود شرایطی مثل جنگ، شورش، کودتا، هرج‌ومرج و بی‌نظمی، تهدیدات نسبت به نظام و جامعه است (موثقی و کرم‌زاده، ۱۳۹۰). شاخص اثربخشی دولت، شاخصی است که توسط گروه بانک جهانی تدوین شده است که کیفیت خدمات عمومی، خدمات ملکی، تدوین خط‌مشی، اجرای سیاست و اعتبار تعهد دولت به ارتقای این کیفیت‌ها یا بالا نگه داشتن آنها را اندازه‌گیری می‌کند. کیفیت مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری درک توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات صحیح را نشان می‌دهد. حاکمیت قانون فلسفه سیاسی است که همه شهروندان و نهادها در یک جامعه در برابر قوانین یکسانی پاسخ‌گو هستند؛ از جمله قانون‌گذاران و رهبران. شاخص کنترل فساد به ذهنیت مردم و سایر گروه‌های ذی‌نفع (کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی) نسبت به پدیده فساد که بنا به تعریف عبارت است از: «استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی» می‌پردازد (Kaufmann; Kraay & Zoido, 1999).

حکمرانی در ادبیات موضوعی به «حکمرانی ناکارآمد»^۷، «حکمرانی خوب»^۸ و «حکمرانی به اندازه کافی خوب»^۹ قابل دسته‌بندی است. به نظر سریع‌القلم (۱۳۹۷)، عدم وجود سیستم مدیریت شفاف اقتصادی و فقدان نظام سیاسی فراگیر، احتمالاً نقش مهم‌تری در توضیح مقوله حکمرانی ناکارآمد دارند و گاهی مابقی عوامل (افکار مختلف، شخصیت، فرهنگ و جغرافیا) در نقش معلول قرار می‌گیرند. حکمرانی خوب، به‌معنای داشتن یک چهارچوب قانونی منصفانه است که اجرای آن باید به‌صورت بی‌طرفانه انجام شود. اجرای بی‌طرفانه قوانین، نیازمند یک سیستم قضایی مستقل و یک نیروی

1. Voice and Accountability
2. Political Stability
3. Government Effectiveness
4. Regulatory Quality
5. Rule of Law
6. Control of Corruption
7. Inefficient Governance
8. Good Governance
9. Good Enough Governance

پلیس بدون تعصب و غیرفاسد است. همچنین، در این راستا باید برای تحقق همه‌جانبه مقوله شفافیت کوشا بود؛ بنابراین، باید دسترسی آزاد به اطلاعات برای ذی‌نفعان و افراد محق تضمین شود. به نظر می‌رسد که رسانه‌ها برای نیل به این هدف می‌توانند مؤثر باشند (Eliot, 2019). شاخص‌های حکمرانی اقتصادی^۱ شامل مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی هستند که می‌توان به منظور اندازه‌گیری سطح حکمرانی اقتصادی در یک کشور، آن‌ها را به کار برد. یکی از این شاخص‌ها شاخص آزادی اقتصادی است که به منظور اندازه‌گیری درجه آزادی بازار و عدم دخالت دولت در اقتصاد به کار می‌رود.

مروری بر ادبیات نظریه‌های متعارف رشد اقتصادی

الگوهای مطرح رشد اقتصادی مدعی هستند که جدا از تبیین مسیر تعادلی رشد، قابلیت توضیح علت تفاوت درآمد در میان کشورهای مختلف را دارند؛ نتیجه فرعی^۲ این الگوها کمک به پژوهشگران و سیاست‌گذاران برای سنجش تأثیر عوامل مختلف بر رشد اقتصادی است. در الگوهای متعارف رشد اقتصادی (Solow, 1956; Cass, 1965; Koopmans, 1963) رشد نیروی انسانی و انباشت سرمایه‌های فیزیکی، عوامل اصلی رشد تولید هستند و رشد اقتصادی در قالب ساختار نهادی «اقتصاد بازار رقابتی» انجام می‌پذیرد. در الگوی ساده سولو، تنها افزایش بهره‌وری در بلندمدت منجر به رشد اقتصادی می‌شود. در الگوی تعمیم‌یافته سولو (Mankiw et al., 1992) نیز در بلندمدت، رشد از طریق افزایش بهره‌وری امکان‌پذیر است. الگوهای سنتی نئوکلاسیک بیان می‌کنند که نرخ رشد درآمد سرانه یک کشور رابطه معکوسی با سطح درآمد سرانه ابتدایی دارد. عنصر اصلی در پدیده همگرایی در مدل‌های رشد نئوکلاسیک، بازدهی کاهشی سرمایه است. در واقع، در کشورهایی با مؤلفه‌های ساختاری (ترجیحات و فناوری) مشابه، کشورهای فقیر، با نسبت پایین‌تر سرمایه به نیروی کار، تولید نهایی سرمایه بالاتری دارند و متعاقباً رشد اقتصادی بیش‌تری را تجربه می‌کنند (Barro, 2012). در این دسته از الگوها عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی متغیرهایی برون‌زا هستند. الگوهای رشد درون‌زا سعی بر درون‌زا کردن برخی از این عوامل را دارند.

رومر (۱۹۸۶)، لوکاس (۱۹۸۸)، گراسمن و هلیمن (۱۹۹۱) و آقین و هویت^۳ (۱۹۹۸)، به منظور

۱. برای مطالعه بیش‌تر به منابع زیر مراجعه کنید:

World Economic Forum, (2019), The Global Competitiveness Report 2019, Geneva, Switzerland; United Nations Development Programme, (2019), Human Development Indices and Indicators, New York.

2. Corollary

3. Aghion & Howitt

توضیح تفاوت نرخ رشد اقتصادی میان کشورهای مختلف، فروشی را مطرح کردند که دربردارنده ویژگی‌هایی مانند پیشرفت فنی درون‌زا، سرریز اقتصادی ناشی از یادگیری و کیفیت سرمایه انسانی بودند. در این مدل‌ها بر خلاف مدل‌های رشد برون‌زا، نرخ رشد یکنواخت، بدون دخالت هرگونه پیشرفت فنی برون‌زا تعیین شده و به مؤلفه‌های مدل به‌ویژه متغیرهای تابع مطلوبیت و نرخ پس‌انداز بستگی دارد و براساس مجموعه‌ای از سازوکارهای درونی اقتصاد، مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، تحقیق و توسعه، کیفیت دولت و ماهیت سیاست‌های اقتصاد کلان تعریف می‌شود.

قبل از دهه ۱۹۶۰، تنها «نرخ پس‌انداز» و «نرخ رشد عوامل تولید» به‌عنوان عوامل تفاوت نرخ تولید در کشورهای مختلف شناخته می‌شدند. با شکل‌گیری روند جدید مطالعات رشد اقتصادی در دهه ۱۹۶۰، عواملی مانند «سرمایه انسانی»، «درجه توسعه‌نیافتگی بخش مالی» و «کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان»، به‌عنوان عوامل تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفتند. به‌تدریج، با بررسی عوامل غیراقتصادی، محققان به این نتیجه رسیدند که نهادهای عمومی و سیاسی هم تأثیر به‌سزایی بر رشد اقتصادی دارند. **بارو (۱۹۹۱)**، نشان داد متغیرهای ثابت سیاسی، حدود حاکمیت نظم و قانون، فساد در دستگاه‌های اداری، شفافیت، خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط دولت، خطر نقض مالکیت خصوصی، میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و کارآمدی دولت‌ها می‌توانند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشند. **آقیون و هویت (۱۹۹۸)**، ذیل مدل‌های رشد اقتصادی درون‌زا متغیر حکمرانی را به ادبیات رشد اقتصادی وارد کردند. آن‌ها نشان دادند که اعمال سیاست‌های حکمرانی مناسب در زمینه‌هایی چون تقویت انگیزه برای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و جذب دانش و فناوری‌های نو، می‌تواند موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت گردد.

در مدل‌های رشد برون‌زا، عامل بهره‌وری کل عوامل تولید^۱، برای پوشش مجموعه‌ای از عوامل که بر کارایی اقتصاد اثرگذارند، طراحی شده است. این عوامل، براساس پژوهش **منکیو و همکاران (۱۹۹۲)** نه تنها سطح فناوری را نشان می‌دهد بلکه عواملی مثل منابع طبیعی، محیط زیست، کیفیت مدیریت و حکمرانی، استحکام نهادها، حقوق مالکیت، عوامل فرهنگی و... رانیز دربرمی‌گیرد. متغیر نهادها برای توضیح تفاوت عملکرد توسعه مطرح شدند **کمپوس و نوجنت^۲ (۱۹۹۹)** اضافه شدند. **ایسترلی و لوین^۳ (۱۹۹۷)**

1. Total Factor Productivity (TFP)
2. Campos & Nugent
3. Easterley & Levin

و هال و جونز^۱ (۱۹۹۹) نشان دادند که تفاوت‌های بزرگ در سطح پسماند سولو، اهمیت نهادها، سیاست‌گذاری دولت و بقیه زیرساخت‌های اجتماعی که تعیین‌کننده تغییرات انباشت سرمایه در میان کشورها هستند را نشان می‌دهد.

مفاهیم و فرضیه‌ها

بور (۱۳۹۷)^۲ بیان می‌کند که حکمرانی به‌عنوان فرایند اداره امور تعریف می‌شود که می‌تواند به‌صورت آگاهانه و توسط مجموعه‌ای از نقش‌آفرینان یا بازارها و شبکه‌ها انجام شود. نظریات حکمرانی بر روی فرایندها و تعاملاتی متمرکز هستند که در ذیل آن، منافع و نقش‌آفرینان اجتماعی متعدد، سیاست‌ها، رویه‌ها و آثار حکمرانی را به‌وجود می‌آورند. در کل، حکمرانی به‌عنوان پدیده‌ای چندحوزه‌ای و متنوع در نظر گرفته می‌شود که در هر حوزه، ذی‌نفعان شناسایی شده و تعاملات میان آن‌ها بررسی می‌شود؛ چراکه از برآیند تعامل میان آن‌ها مفهوم حکمرانی شکل می‌گیرد. فرایند حکمرانی شایسته (خوب)، مسیر مناسبی را پیش‌پای بازیگران درگیر در یک مشکل جمعی می‌گذارد که به‌دنبال آن، رفتار یا نظم اجتماعی قابل‌قبولی ایجاد، تقویت یا بازتولید می‌شود (Hufly, 2011).

عجم اوغلو و رابینسون^۳ (۲۰۱۲)، نشان می‌دهند که انگیزه‌ها در شکل دادن به مقوله حکمرانی نقش مهمی دارند. آن‌ها بیان می‌کنند که «نهادهای فراگیر»^۴ انگیزه‌هایی را ارائه می‌دهند که افراد را به سمت سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌ها، کسب‌وکار و نوآوری سوق می‌دهند. این انگیزه‌ها شامل حمایت از حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و رقابت عادلانه هستند. از طرف دیگر، «نهادهای بهره‌کش»^۵ انگیزه‌هایی را ایجاد می‌کنند که سرمایه‌گذاری، نوآوری و کارآفرینی را منع می‌کنند. در این سیستم‌ها، نخبگان حاکم، از قدرت خود برای بهره‌کشی از بقیه جامعه استفاده می‌کنند و این باعث تداوم سیستم بهره‌کش موجود می‌شود. به‌طور کلی، مشوق‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری حکمرانی دارند و نهادهای فراگیر، انگیزه‌هایی را ایجاد می‌کنند که به رشد و شکوفایی اقتصادی کمک می‌کنند، درحالی‌که نهادهای بهره‌کش انگیزه‌هایی را ایجاد می‌کنند که فقر و توسعه‌نیافتگی را تداوم می‌بخشند.

مطالعات صورت‌گرفته در مورد ایده حکمرانی به‌اندازه‌کافی خوب به این مطلب اشاره دارد که

1. Hall & Jones
2. Boor
3. Acemoglu & Robinson
4. Inclusive Institutions
5. Extractive Institutions

معمولاً امکان برطرف نمودن همه کمبودهای حکمرانی فوراً برای سیاست‌گذاران میسر نیست بلکه با گذشت زمان و اتخاذ سیاست‌های صحیح می‌توان به این مهم دست یافت. پس تعجیل در رسیدن به حکمرانی کاملاً ایدئال و اتخاذ سیاست‌هایی با درون‌مایه افراط و تفریط، نه‌تنها نتیجه مفیدی به ارمغان نمی‌آورد بلکه می‌تواند نتایج نامطلوبی را هم به‌دنبال داشته باشد. به تفسیر گریندل (۲۰۰۷)، حکمرانی به‌اندازه کافی خوب بدین‌معناست که مداخلات سیاسی و اقتصادی که می‌تواند منجر به توسعه شود را مطابق شرایط و اهداف خاص هر کشور (اهدافی نظیر کاهش فقر، افزایش کیفیت مردم‌سالاری و...) اولویت‌بندی کرد و به مرحله اجرا درآورد.

حکمرانی و آثار آن بر رشد اقتصادی

نهادهای اجتماعی-اقتصادی انگیزه‌های فعالان اقتصادی و محدودیت‌های ناظر بر فعالیت آن‌ها، به‌عبارت‌دیگر زمین بازی، قواعد بازی و درنهایت شیوه حکمرانی را متأثر می‌سازند.^۱ بنیادی‌ترین دسته عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی، زیرساخت‌های حقوقی و اجتماعی یک کشور است. زمینه و بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی وجود فضای سیاسی و اجتماعی امن و شفاف، محیط حقوقی مساعد و استحکام قوانین مالکیت قرار دارد. مستحکم و شفاف نبودن حقوق شهروندی و مالکیت، تفسیر یا اجرای سست این حقوق و تعدد رویه‌های قضایی ازجمله مواردی است که زمینه برای فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه سرمایه‌گذاری را سخت‌تر می‌کند. مناقشات سیاسی داخلی و التهاب در روابط خارجی (منطقه‌ای و جهانی) فضای سیاسی را برای فعالیت‌های اقتصادی ناامن می‌کنند و باعث افزایش نااطمینانی می‌شوند و درنهایت تمایل به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند. فضا و ساختار سیاسی بر استقلال دستگاه قضایی، استحکام قوانین مالکیت، تفسیر از قوانین موجود و نیز قدرت و اراده برای مبارزه با فساد اثرگذار است. مطالعات متعدد تجربی نشان می‌دهد که کیفیت نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی در کشورهای درحال توسعه و نوظهور، آثار مثبت بر رشد و توسعه اقتصادی می‌گذارد. نهادها و به‌تبع آن حکمرانی از مسیرهایی چون بهره‌وری کل عوامل تولید، سرمایه‌فیزیکی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثرگذار است (Dawson, 1998).

شیوه حکمرانی که مشارکت اقشار مختلف در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌طور عملی تشویق و تسهیل نکند، نهادهای دولتی را پاسخگو نسازد و به‌طور سامان‌یافته برای کنترل فساد و

۱. برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به (Acemoglu and Robinson (2005).

محدود کردن رانت‌جویی اقدام ننماید، شاید رشد پایدار و نرخ‌های رشد بالای سرمایه‌گذاری توسط بخش‌های خصوصی و مردمی را تجربه نخواهد کرد. نامشخص بودن رویکرد حکومت به نحوه مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد و نابرابری زمین بازی برای بخش خصوصی در مقایسه با نهادهای دولتی و حکومتی، بی‌اعتمادی میان حکومت و مردم و بخش خصوصی را تقویت می‌کند. در شرایطی که ساختارهای سیاسی و اقتصادی امکان مشارکت و رقابت‌پذیری افراد را محدود کنند و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی میان اقشار و طبقات مختلف فراگیر نباشد، لابی‌های قدرتمند از طریق نفوذ از مجاری سیاسی و نه از مجاری رقابت منصفانه اقتصادی، منابع اقتصادی را به‌طور ناکارا به سمت گروه‌های همسود جریان می‌دهند و فعالیتهای رانت‌جویی تشدید می‌شود. بالعکس، بهبود شاخص‌های فوق‌الذکر نه‌فقط انگیزه برای مشارکت افراد در فعالیتهای اقتصادی را تقویت می‌کند بلکه با ایجاد بستر مناسب اجتماعی، تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی هزینه مبادله فعالیتهای اقتصادی را کاهش و منابع بیشتری برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و از این مجرا افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را موجب می‌شود.

باید توجه داشت که اجماع فراگیر و محکمی بر آنکه چه مجموعه معین از شاخص‌های حکمرانی اهمیت و وزن بیشتری در توضیح رشد اقتصادی داشته باشد، موجود نیست و گمانه‌زنی یا گزاره‌انگاری در این‌باره نیاز به تأیید تجربی دارد. به نظر نویسندگان این مقاله، میان عوامل نهادی، حاکمیت قانون از جمله اثرگذارترین شاخص‌ها برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی است. در شماری از مطالعات نشان داده شده که شاخص‌های استحکام حقوق مالکیت و کیفیت نهادی (به همراه با آزادی اقتصادی)، مقابله با فساد و اثربخشی دولت آثار مثبت بر رشد اقتصادی دارند. حاکمیت قانون و حسن اجرای قراردادها باعث کاهش ناطمینانی و انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود. وجود مراجع متعدد، رویه‌های قضایی متفاوت و اطاله دعوی حقوقی نه‌فقط محیط فعالیتهای اقتصادی را نامطمئن می‌کند بلکه هزینه‌های مبادله در اقتصاد را افزایش می‌دهد. مخلص کلام آن است که اشخاص حقیقی و حقوقی که وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند باید شرایط، محدودیت‌ها، امکانات و مسئولیت‌ها را بدانند؛ به عبارت دیگر قاعده بازی باید مشخص باشد. فضای سیاسی بر استقلال دستگاه قضایی، استحکام قوانین مالکیت، تفسیر از قوانین موجود و نیز قدرت و اراده برای مبارزه با فساد بی‌تأثیر نیست. مبارزه با فساد و استقرار دولتی با اثربخشی بالا مکمل فضای حاکمیت قانون هستند و زمینه بهتری برای سرمایه‌گذاری و از این مجرا، رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد (Mauro, 1995).

مک کلاسکی (۲۰۲۱)^۱، به این عقیده است که نهادها اهمیت دارند ولی نه به اندازه‌ای که نونهادگرایان (مانند آجم اوغلو و همکاران) تأکید می‌کنند؛ زیرا هنجارهای اجتماعی افراد نیز در این فرایند تأثیرگذارند.^۲ **مک کلاسکی (۲۰۱۵)** میان «قواعد» و «هنجارها» تفاوت قائل می‌شود و به این نکته اشاره دارد که هر چند اغلب «قواعد» میان کشورها مشابهت دارد ولی در عمل رفتارها متفاوت است.^۳ به علاوه، تصمیم‌گیری انسان‌ها به عقلانیت محدود نمی‌شود و تغییر در هنجارها می‌تواند فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار دهد. تقویت اعتماد و اخلاق در جامعه از طریق کاهش هزینه مبادله و افزایش رغبت به سرمایه‌گذاری به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. رابطه اعتماد و اطمینان با عملکرد نهادها چرخشی (درهم‌بافته) است.^۴ شفافیت در اعمال قانون، پاسخگو بودن مسئولان در بخش‌های خصوصی و دولتی و وجود ظرفیت عقلانی و اجرایی حکومت در ایجاد همبستگی اجتماعی، مشوق تقویت اعتماد، اخلاق و سرمایه اجتماعی در هر کشور است و بر هنجارهای اجتماعی اثرگذار است.

حکمرانی اقتصادی

حکمرانی اقتصادی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و تنظیمات نظارتی است که دولت‌ها به منظور مدیریت اقتصاد درپیش می‌گیرند. حکمرانی اقتصادی دو حوزه گسترده از سیاست‌گذاری عمومی، یعنی مدیریت اقتصاد کلان (مشابه برنامه‌های مالی و پولی در مقیاس کلان) و مدیریت اقتصاد خرد (مربوط به سیاست‌هایی است که فضای عملیاتی بخش خصوصی را تعیین می‌کنند. مواردی مثل:

1. McClosky, 2021
2. "...changes of institutions did not in fact happen much in England. Ethics changed, not laws and procedures. For presently poor countries, too, it will not suffice, as the World Bank and Acemoglu recommend." McClosky (2015), p. 1.
3. "Norms are ethical persuasions, bendable, arguable, and interpretable. Rules are, well, rules, such as that bribes are illegal in India, or that jaywalking is illegal in downtown Evanston. The rules of bribery in Sweden are probably the same as in India, and the jaywalking rules in Germany the same as in Evanston. The difference is ethics." (McClosky, 2015, P. 2).

۴. اعتماد در بطن حکمرانی شایسته است و حکمرانی شایسته، در بخش‌های خصوصی و عمومی، باعث رشد پایدار کسب و کار می‌شود. فقدان حکمرانی قابل اعتماد، شفاف، و منسجم یک عامل بازدارنده برای فعالیت‌های بلند مدت اقتصادی و سرمایه‌گذاری است. در غیاب حکمرانی شایسته، رفتار غیراخلاقی گسترش می‌یابد و مشکل چرخشی ایجاد می‌کند؛ در صورت کنترل نشدن رفتار غیراخلاقی، حاکمیت قانون تضعیف می‌شود و به نوبه خود باعث تضعیف بیشتر نهادهای قانونی و اداری می‌شود.

فرایندهای مربوط به صدور مجوز کسب و کارها و اجرای قراردادها را دربرمی‌گیرد. یکی از شاخص‌های مهم حکمرانی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد است. جریان‌های سرمایه و تجارت خارجی موتورهای محرک ایجاد و گسترش روابط اقتصادی در میان کشورهای مختلف جهان هستند. حجم تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی، شاخصی از درجه بازبودن اقتصاد و میزان ارتباط کشورها با اقتصاد جهانی است. کشوری با درجه بازبودن بالاتر، توانایی بیشتری برای استفاده از فناوری‌های تولیدشده در اقتصادهای توسعه‌یافته را دارد و این قابلیت باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به کشوری با درجه بازبودن پایین‌تر، رشد اقتصادی بیشتری را تجربه کنند (Keho, 2017). آزادسازی تجارت، تخصص‌گرایی را در بخش‌های مختلف اقتصاد تشویق می‌کند و به بهبود کارایی و بهره‌وری در بلندمدت کمک می‌کند. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی^۱ عامل مهمی برای تحریک توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این امکان را برای کشورها فراهم می‌کند تا به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم از تأثیرات مثبت فناوری، تولید، سرمایه و دانش بهره‌مند شوند. گفتنی است که طی چند دهه گذشته رقابت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای کمتر توسعه‌یافته گسترش یافته است. دولت‌های مستقر می‌توانند نقش فعالی در تعریف محیط سرمایه‌گذاری موجود داشته باشند و شرایط مناسب و مساعدی را برای رشد اقتصادی فراهم کنند. در شرایط متعارف، تجهیز و تخصیص منابع بر اساس مزیت‌های نسبی و دسترسی به بازارهای جهانی می‌تواند به رشد بازارها و مقیاس تولید بنگاه‌ها کمک کند. به‌علاوه فعالیت و رقابت در عرصه جهانی می‌تواند نظم و انضباط در بعد سیاست‌گذاری اقتصادی را تقویت و به بهبود محیط کسب و کار و عملکرد بنگاه‌ها بیانجامد. جذب سرمایه‌های خارجی در حوزه‌هایی که مزیت نسبی بالفعل و بالقوه وجود دارد محتمل‌تر است و دولت با ایجاد محیطی مناسب و پیگیری سیاست خارجی عقلایی می‌تواند با پشتیبانی از این راهبرد به رشد اقتصادی کمک کند.

تبعات فقدان حکمرانی شایسته و رقابت‌پذیری می‌تواند آثار مختلفی در حوزه اقتصادی داشته باشد. ساده‌ترین و کم‌ضررترین حالت وجود دیوان‌سالاری ناکارا است که با مصرف منابع زیاد نسبت به خروجی آن‌ها و اتخاذ سیاست‌های نامناسب اقتصادی باعث کندی رشد می‌شود. در بدترین حالت، حکمرانی ناشایسته می‌تواند به نوعی دزدسالاری (کلیتوکراسی)^۲ ختم شود. دزدسالاری نوعی از حکومت است که برپایه غارت اموال عمومی و تاراج منابع ملی بنا شده و به دولتی اشاره دارد که رفاه

1. Foreign Direct Investments(FDI)

2. Kleptocracy

عامه مردم را فدای افزایش ثروت و قدرت سیاسی شخصی طبقه حاکم می‌کند (اجم اوغلو، وردیر و رابینسون ۲۰۱۲). در این نوع حکمرانی که بیشتر در کشورهای توسعه‌نیافته با حکومت‌های خودکامه و اقتصاد دولتی مشاهده شده، با رانت‌جویی و اختلاس در بودجه‌های دولتی در ابعاد گسترده‌ای همراه است. از تبعات و آسیب‌های دزدسالاری گسترش فساد از سطوح مدیریتی کلان به سطوح خرد و شیوع آن در جامعه است. در این نوع کشورها نه فقط رشد اقتصادی نازل و ناپایدار است بلکه سقوط اخلاقیات، هنجارها و استهلاک سرمایه اجتماعی را در پی دارد. اولسون^۱ (۱۹۸۲)، به این موضوع از دریچه دیگری می‌نگرد. وی ظهور گروه‌های ذینفع، به‌ویژه ائتلاف گروه‌های توزیعی^۲ که از ابزار حکومت برای اهداف خود استفاده می‌کنند را معمولاً در جهت منافع کشور و جامعه نمی‌داند و معتقد است که در نهایت تلاش و عملکرد آنها پویایی اقتصادی را سرکوب می‌کند.

در پژوهش پیش‌رو، برای درک جامع‌تر نحوه اثرگذاری حکمرانی بر رشد اقتصادی، علاوه بر بررسی اثر حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت به‌عنوان مجموعه و نمایندگی از شاخص‌های حکمرانی شایسته (Kaufmann & Lobaton, 1999) بر رشد اقتصادی، اثربخشی حکمرانی اقتصادی، برهم‌کنش میان حکمرانی با سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و حکمرانی اقتصادی نیز مورد آزمون قرار می‌گیرد. از آنجایی که تحقیقات قبلی انجام شده به اثر برهم‌کنش میان شاخص‌های حکمرانی با متغیرهای مذکور توجه نکرده‌اند، پژوهش حاضر اثر مؤلفه برهم‌کنش میان حکمرانی با سرمایه فیزیکی و انسانی را از طریق اثرهای ترکیبی آن‌ها بر رشد اقتصادی می‌سنجد.

چهارچوب نظری و الگوی پژوهش

در این مقاله رابطه بین حکمرانی و رشد اقتصادی بررسی می‌شود. چهارچوب مفهومی این پژوهش از مقاله داوسون^۳ (۱۹۹۸) استخراج شده است. چهارچوب نظری که برای تجزیه و تحلیل مقوله رشد در این مقاله در نظر گرفته شده است، بسطی از مدل منکیو-رومر-ویل (۱۹۹۲)^۴ است که خود نسخه تکمیل شده الگوی ساده سولو (۱۹۵۶) با سرمایه انسانی است. الگوی مذکور، تابع تولید کاب داگلاسی را فرض می‌کند که بازدهی ثابت نسبت به مقیاس دارد ولی بازدهی کاهنده‌ای نسبت به هر کدام از عوامل تولید دارد:

1. Olson
2. Distributional Collisions
3. Dawson
4. Mankiw- Romer- Weil

$$Y_t = A_t K_t^\alpha H_t^\beta L_t^{1-\alpha-\beta} \quad (1)$$

$$\alpha + \beta < 1, \alpha, \beta > 0$$

نمادها در رابطه (۱) عبارت‌اند از: Y تولید (محصول) کل، K سرمایه فیزیکی، H سرمایه انسانی، L نیروی کار ساده و A سطح فناوری یا بازدهی کل عوامل تولید. A پوششی است از مجموعه عواملی که بر سطح کارایی اقتصاد اثرگذارند. این عوامل بر اساس پژوهش منکیو و همکاران (۱۹۹۲) نه تنها سطح فناوری را نشان می‌دهد بلکه عواملی مثل منابع، محیط زیست، کیفیت مدیریت و حکمرانی، استحکام نهادها، حقوق مالکیت، عوامل فرهنگی و... را نیز دربرمی‌گیرد.

این تصریح سنتی به صورت ضمنی مجموعه‌ای از نهادهای ایدئال و به دنبال آن حکمرانی خوب را در نظر می‌گیرد. در این تصریح، کیفیت حکمرانی از طریق تأثیر بر بازدهی سرمایه فیزیکی و انسانی، بر خروجی اثرگذار است. متغیر حکمرانی از طریق تابعی از A می‌تواند بر بازدهی کل عوامل تولید مؤثر باشد؛ براساس پژوهش هال و همکاران (۲۰۲۰) داریم:

$$A_{it} = A_0 h_{it}^{b_2(G_i-G^*)} k_{it}^{b_1(G_i-G^*)} \quad (2)$$

A_0 نشانگر سطح فناوری ابتدایی، G^* به صورت ضمنی نشانگر حکمرانی ایدئال و G سطح فعلی کیفیت حکمرانی را نشان می‌دهد؛ بنابراین، $(G - G^*)$ بیانگر فاصله حکمرانی جاری تا حالت ایدئال است. در این چهارچوب، متغیر حکمرانی نه تنها از طریق سرمایه‌گذاری^۱ بلکه از طریق سرمایه انسانی^۲ بر رشد اقتصادی از کانال بهره‌وری کل عوامل تولید بر رشد اقتصادی اثرگذار است.^۳

به نظر داوزون (۱۹۹۸)، استفاده از مشاهدات سالانه وقتی هدف، مطالعه رشد اقتصادی در بلندمدت است، مناسب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در این صورت، نوسانات کوتاه‌مدت مشکل ایجاد می‌کنند. زیردوره‌های ۵ ساله احتمالاً کوتاه‌ترین مدتی هستند که در آن می‌توان به طور منطقی انتظار داشت که همه نوسانات چرخه تجاری در مقدار میانگین خود باشند. همچنین، تغییرات نهادی به آرامی بر عملکرد اقتصادی اثر می‌گذارند؛ بنابراین با در نظر گرفتن زیر بازه‌های ۵ ساله می‌توان اثر مربوط به آن‌ها را آشکارتر کرد.

1. Investment
2. Human Capital

۳. برای بحث بیشتر در مورد کانال احتمالی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی و مفروضات متعاقب آن به داوزون (۱۹۹۸) مراجعه کنید.

در تحلیل پانلی ارائه شده، دوره نمونه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ است که به ۴ زیر دوره ۵ ساله^۱ تقسیم شده است. بر همین اساس، با الهام از معادلات (۱) و (۲) می توان الگوی تجربی را به صورت زیر نوشت:

$$\ln y_{it}^T - \ln y_{it}^0 = \pi_0 + \pi_1 \ln k_{it} + \pi_2 \ln h_{it} + \pi_3 G_{it} + \pi_4 \ln y_{it}^0 + G_{it} \ln h_{it} + G_{it} \ln k_{it} + \mu_t + \eta_i + e_{it} \quad (3)$$

در این مطالعه اثر تجارت و سرمایه گذاری خارجی به عنوان شاخصی از حکمرانی اقتصادی بر مقوله رشد اقتصادی پرداخته می شود. با توجه به مطالب مذکور در فوق، می توان گفت که پیشرفت های فنی (A) از میزان آزادی تجارت و سرمایه گذاری خارجی هم تأثیر می گیرد؛ بنابراین بر اساس پژوهش کپو (۲۰۱۷) خواهیم داشت:

$$A_{it} = \phi EG_{it}^\sigma z_{it}^\rho \quad (4)$$

که EG نشان گر شاخص های مربوط به حکمرانی اقتصادی (مجموع متغیرهای مربوط به تجارت و سرمایه گذاری خارجی) و Z نشان گر سایر عواملی است که فناوری را تحت تأثیر قرار می دهد. متغیر حکمرانی از هر دو کانال سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی می تواند بر متغیر رشد اقتصادی اثر گذار باشد (Dawson, 1998). بررسی اثر برهم کنش میان متغیر حکمرانی با متغیرهای سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی بر رشد اقتصادی می تواند چنین ارتباطی را تقریب کند. بر این اساس، الگوی تجربی این مقاله به صورت زیر تصریح می شود:

(۵)

$$\ln y_{it}^T - \ln y_{it}^0 = \pi_0 + \pi_1 \ln k_{it} + \pi_2 \ln h_{it} + \pi_3 G_{it} + \pi_4 \ln y_{it}^0 + \pi_5 \ln EG_{it} + \pi_6 G_{it} * \ln h_{it} + \pi_7 G_{it} * \ln k_{it} + \pi_8 \ln EG_{it} * \ln k_{it} + \pi_9 \ln EG_{it} * \ln h_{it} + \mu_t + \eta_i + e_{it}$$

در این مقاله از برآوردگر آرلانو-باند که یک برآوردگر سیستم روش گشتاور عمومی^۲ است، استفاده می شود. دلیل استفاده از تخمین گر آرلانو-باند آن است که گنجاندن متغیرهای انبار^۳ و جریان^۴ با همدیگر در یک مدل رگرسیونی اگر به درستی مدیریت نشود، می تواند منجر به تورش در تخمین ها شود. یکی از راه حل های بالقوه برای حل این مشکل، استفاده از برآوردگرهای سیستم GMM که در این مقاله از آن استفاده می شود. سیستم GMM به ما این امکان را می دهد که با

۱. زیر نویس t برای مقادیر ۱، ۲، ۳ و ۴ تعریف شده است؛ برای مثال زمانی که t=1 است، T=2005 و y_{t1}⁰ نشانگر سطح درآمد سرانه در سال ۲۰۰۰ است.

2. General Method of Moments (GMM)

3. Stock Variable

4. Flow Variable

استفاده از شرایط لحظه‌ای^۱ که شامل سطوح تأخیری متغیرهاست، متغیرهای انبار و جریان را در کنار یکدیگر استفاده کنیم. درواقع، سیستم GMM به رفع درون‌زایی و سایر مسائل مرتبط با استفاده از متغیرهای انبار کمک می‌کند.

در این پژوهش، یک پانل با دوره‌های ۵ ساله برای ۵۱ کشور^۲ در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، یک پانل با دوره داده‌ها از شاخص‌های توسعه جهانی^۳ بانک جهانی گردآوری شده است. تولید ناخالص داخلی سرانه (ثابت سال ۲۰۱۵)، معیاری از تولید به‌ازای هر نفر در یک کشور است. برای رفع مشکل تورم، دلار آمریکا در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان سال پایه تنظیم شده است. با تعیین کردن سال پایه، امکان مقایسه بازده اقتصادی بین کشورها در طول زمان را فراهم می‌شود. شاخص نسبت سرمایه‌گذاری خالص در دارایی‌های غیرمالی به تولید ناخالص داخلی سرانه، معیاری مناسب برای اندازه‌گیری سرمایه فیزیکی است. این شاخص، نشان‌دهنده میزان سرمایه موجود پس از کسر استهلاک و کاهش ارزش دارایی‌ها است که می‌تواند در تحقیقات تجربی به‌عنوان یک ابزار مفید استفاده شود. نرخ ثبت‌نام در مدارس متوسطه؛ یک شاخص رایج برای تقریب کمیت سرمایه انسانی است؛ زیرا نشان‌دهنده سطح تحصیلات و مهارت‌های جمعیت در سن کار است.

از شاخصی که میزان سرمایه‌گذاری خارجی وارد شده به یک کشور را بر اساس درصدی از تولید ناخالص داخلی یک کشور اندازه‌گیری می‌کند و برای متغیر سرمایه‌گذاری خارجی، از شاخصی که ارزش کل صادرات و واردات یک کشور را براساس درصدی از تولید ناخالص داخلی یک کشور نشان می‌دهد برای متغیر تجارت خارجی و درنهایت از داده‌های حکمرانی جهانی برای شاخص‌های حکمرانی کوفمن و لاباتون (۱۹۹۹) استفاده شده است.

1. Moment Conditions

۲. در این پژوهش، کشورهای ایران، آمریکا، بریتانیا، چین، سوئد، مصر، اسپانیا، فرانسه، مالزی، روسیه، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ژاپن، هند، استرالیا، برزیل، کانادا، آلمان، مکزیک، نیجریه، نروژ، سوئیس، بلژیک، ایتالیا، ترکیه، اوکراین، نیوزیلند، عربستان سعودی، اردن، الجزایر، تونس، اوگاندا، مراکش، رواندا، بولیوی، آرژانتین، اتریش، بلغارستان، شیلی، قبرس، دانمارک، فنلاند، گواتمالا، ایرلند، لوکزامبورگ، موریس، پرو، لهستان، رومانی، تایلند و اروگوئه به‌صورت نیمه‌تصادفی از میان همه کشورها انتخاب شدند. درواقع، کشورهای ایران، آمریکا و چین را به‌صورت تصادفی انتخاب نکردیم. همچنین، بازه زمانی در نظر گرفته شده در این پژوهش از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ است.

3. World Development Indicators (WDI)

تخمین الگو، تفسیر نتایج و جمع‌بندی

با توجه به اهمیت کنترل فساد، حاکمیت قانون و کارآمدی دولت در تعیین سطح حکمرانی و همچنین، محدودیت‌های مدل آماری به کار گرفته شده؛ برای جلوگیری از پدیده چندهم‌خطی^۱ و افزایش قدرت پیش‌بینی مدل، از میان شش شاخص موجود مربوط به حکمرانی، شاخص‌های کنترل فساد، حاکمیت قانون و اثربخشی دولت به عنوان نماینده حکمرانی انتخاب شدند. پیرامون مؤلفه‌های برهم‌کنش در مدل پیش‌رو، برهم‌کنش میان لگاریتم طبیعی نسبت سرمایه‌گذاری به تحصیلات متوسطه با میانگین ساده حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت در نظر گرفته شده است؛ زیرا علامت ضرایب مربوط به برهم‌کنش لگاریتم طبیعی سرمایه‌گذاری یا تحصیلات متوسطه با حکمرانی، یک عدد منفی تخمین زده می‌شود که با ادبیات موجود^۲ در تضاد است. همچنین، از میان گزینه‌های حاضر، برهم‌کنش میان لگاریتم طبیعی نسبت تجارت خارجی به سرمایه‌گذاری خارجی با حاکمیت قانون و کنترل فساد نتایج منطقی‌تری را به دنبال خود دارد. در نهایت، برای تقویت تخمین ضرایب، برهم‌کنش متغیرهای مجازی قاره اروپا و آسیا با تجارت خارجی در مدل گنجانده شده است.

$$\begin{aligned} & \ln y_{it}^T - \ln y_{it}^0 \\ &= \pi_0 + \pi_1 (\ln Investment)_{it} + \pi_2 (\ln School_secondary)_{it} \\ &+ \pi_3 \left(\frac{rule\ of\ law + control\ of\ corruption + government\ effectiveness}{3} \right)_{it} + \pi_4 \ln y_{it}^0 \\ &+ \pi_5 \ln \left(\frac{School\ secondary}{investment} \right)_{it} \\ &* \left(\frac{rule\ of\ law + control\ of\ corruption + government\ effectiveness}{3} \right)_{it} \\ &+ \pi_6 \ln \left(\frac{Trade}{investment} \right)_{it} * rule\ of\ law_{it} * control\ of\ corruption_{it} + \pi_7 europe_{it} \\ &+ \pi_8 asia_{it} + e_{it} \end{aligned}$$

1. Multi Collinearity

۲. برای مطالعه بیشتر، به منابع زیر مراجعه کنید:

- Billett, M. T., Garfinkel, J. A., & Jiang, Y. (2011). The influence of governance on investment: Evidence from a hazard model. *Journal of Financial Economics*, 102(3), 643-670.
- Roberts, J., & Van den Steen, E. (2001). Human capital and corporate governance. In *Corporate governance: essays in honor of Horst Albach* (pp. 128-144). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.

جدول ۱: نتایج مدل رگرسیونی

ضریب تخمینی	نام متغیر
-0.08692 (0.743426)	رشد اقتصادی دوره قبل
0.088304*** (0.0281234)	سرمایه‌گذاری
0.1507442* (0.0831782)	تحصیلات متوسطه
-0.7188621*** (0.0600001)	تولید ناخالص داخلی اولیه
0.1461193** (0.0664845)	(حاکمیت قانون+کنترل فساد+کارآمدی دولت)/۳
0.0229463** (0.0107716)	برهم‌کنش لگاریتم طبیعی سرمایه‌گذاری در تحصیلات متوسطه با (حاکمیت قانون+کنترل فساد+کارآمدی دولت)/۳
0.0470119* (0.0279184)	حکمرانی اقتصادی (تجارت خارجی+سرمایه‌گذاری خارجی)/۲
0.0092458* (0.0055419)	برهم‌کنش لگاریتم طبیعی تجارت خارجی/سرمایه‌گذاری خارجی با حاکمیت قانون و کنترل فساد
0.293359*** (0.0736003)	برهم‌کنش متغیر مجازی اروپا با لگاریتم طبیعی تجارت خارجی
0.220282** (0.102332)	برهم‌کنش متغیر مجازی آسیا با لگاریتم طبیعی تجارت خارجی

* $p < 0.10$; ** $p < 0.05$; *** $p < 0.001$

نتایج آزمون حاکی از آن است که برآورد الگو از لحاظ آماری معنادار است ($\text{prob} > \chi^2 = 0.00$). درواقع، تخمین معادله رگرسیون فوق بخش قابل توجهی از واریانس متغیر وابسته (رشد تولید ناخالص داخلی) را توضیح می‌دهد. همچنین، براساس آزمون سارگان-هنسن شواهد قوی علیه اعتبار مدل و متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده وجود ندارد. به بیان دیگر، نتایج این آزمون ($\text{Prob} > \chi^2 = 0.0669$) نشان می‌دهد که الگوی برآورد شده به‌طور مناسبی تصریح شده است.

تفسیر نتایج و جمع‌بندی

الف - رشد اقتصادی دوره قبل

همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد، تخمین الگوی پژوهش که از نوع داده‌های پانلی پویا است که در آن از برآوردگر آرانو-باند استفاده شده است. در این روش، حضور تأخیر متغیر وابسته برای کنترل درون‌زایی بالقوه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بنابراین، اگرچه اثر متغیر رشد اقتصادی دوره قبل بر رشد اقتصادی فعلی در رگرسیون فوق در سطح ۱۰ درصد معنادار نیست؛ اما تصریح آن در الگو لازم است. اثر منفی متغیر رشد اقتصادی دوره قبل، فارغ از معناداری آن شهودی و منطبق بر ادبیات رشد اقتصادی است و ضریب منفی این متغیر در دوره قبل با مفهوم «بازگشت به متوسط»^۱ در پویایی مفروض شده در الگوهای رشد اقتصادی متعارف همخوان است.^۲ بازگشت به متوسط نشان می‌دهد که اقتصادها تمایل دارند به متوسط نرخ رشد بلندمدت خود بازگردند. اگر کشوری در دوره قبل، رشد بسیار بالایی داشته باشد، به احتمال زیاد در دوره بعدی این رشد دچار افت خواهد شد و بالعکس.^۳ این نتیجه نیز اشاره دارد که نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر از میانگین بلندمدت را نمی‌توان تثبیت کرد و به‌جای بالابردن رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت از طریق سیاست‌های انبساطی مالی و پولی سیاست‌های معطوف مدنظر قرار گیرند.

ب - سرمایه‌گذاری

تأثیر (لگاریتم طبیعی) سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی در رگرسیون فوق، تأثیری مثبت و به‌لحاظ آماری معنادار است. در تخمین فوق افزایش یک واحدی (لگاریتم طبیعی) سرمایه‌گذاری، افزایش ۰/۰۸ واحدی برای رشد اقتصادی را در پی دارد که با مباحث ادبیات رشد اقتصادی منطبق است.^۴ درواقع، سرمایه‌گذاری از طریق افزایش تشکیل سرمایه، ایجاد شغل، پیشرفت فناوری، بهبود زیرساخت‌ها و افزایش درآمد خانوارها می‌تواند رشد اقتصادی را تحریک کند و تداوم بخشد.

1. Mean Reversion

۲. به پیوست ۱ مراجعه کنید.

۳. تخمین آرانو-باند، درون‌زایی را در نظر می‌گیرد و سعی می‌کند سوگیری‌های متغیر حذف شده را برطرف کند. با ترکیب مقادیر تأخیری متغیر وابسته، کنترل مسائل مربوط به همبستگی و درون‌زایی راحت‌تر می‌شود و نتایج قوی‌تری را به ارمغان می‌آورد.

۴. به پیوست ۲ مراجعه کنید.

پ- تحصیلات متوسطه

(لگاریتم طبیعی) ثبت‌نام در مدارس متوسطه دارای اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. این اثر در رگرسیون فوق ۰/۱۵ است. این یافته با ادبیات گسترده موجود در مورد رابطه مثبت بین آموزش و رشد اقتصادی تطابق دارد.^۱ آموزش، اغلب به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی در نظر گرفته می‌شود. نیروی کار تحصیل کرده‌تر پذیرایی بیشتری به نوآوری و بهره‌وری دارد.

ت- مقدار اولیه تولید ناخالص داخلی

تأثیر مقدار اولیه (لگاریتم طبیعی) تولید ناخالص داخلی سرانه در رگرسیون فوق، منفی و به‌لحاظ آماری قویاً معنادار است و اشاره دارد که کشورهایی با مقدار اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه پایین‌تر تمایل به رشد اقتصادی سریع‌تر دارند. این یافته با «فرضیه همگرایی»^۲ در ادبیات رشد اقتصادی سازگار است.^۳ این فرضیه بیان می‌کند که کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، ظرفیت رشد بالاتری را دارند. درواقع، مطابق فرضیه مذکور، کشورهایی با پایه اقتصادی پایین‌تر با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و فناوری، می‌توانند رشد اقتصادی سریع‌تری را در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته تجربه کنند؛ البته باید توجه داشت که مطالعات تجربی در مورد «فرضیه همگرایی» متفاوت است و برخی از مطالعات آن را تأیید نمی‌کنند. **راویکومار و همکاران**^۴ (۲۰۲۴)، نشان می‌دهند که رابطه رشد و سطح تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۰ در مقایسه با بازه زمانی ۱۹۹۹-۱۹۶۰ تغییر کرده است و در دوره اخیر رابطه منفی میان متوسط رشد اقتصادی و درآمد سرانه نسبی میان کشورها قابل مشاهده است. در کشورهای توسعه‌یافته ممکن است به علت کاهش بازدهی سرمایه، رشد اقتصادی پایین‌تری را تجربه کنند؛ بنابراین، در بحث سیاست‌گذاری باید توجه کافی به این موضوع داشت. درمجموع، سیاست‌هایی که بر بهبود زیرساخت‌ها، توسعه سرمایه انسانی، ایجاد فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری و بهره‌وری بالاتر تمرکز دارند، می‌توانند برای تقویت رشد اقتصادی مفید باشند.

ث- حاکمیت قانون، کنترل فساد و کارآمدی دولت (شاخص حکمرانی)

بر اساس نتایج به‌دست آمده، به‌طور متوسط یک واحد افزایش برای میانگین حاکمیت قانون، کنترل فساد و کارآمدی دولت، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. بهبود حکمرانی با ایجاد

۱. به پیوست ۳ مراجعه کنید.

2. Ravikumar *et al.*

۳. به پیوست ۴ مراجعه کنید.

4. Convergence Hypothesis

محیطی پایدار و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک‌های اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، موجب تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌شوند و اثر مثبت بر رشد اقتصادی می‌گذارد. تقویت این سه مؤلفه می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر در راستای رشد پایدار اقتصادی مورد توجه قرار گیرد (Haggard & Tiede, 2011).^۱

ج- متغیر حکمرانی اقتصادی

متغیر حکمرانی در رگرسیون فوق، میانگینی از (لگاریتم طبیعی) تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی است. در نتیجه، این متغیر نشان‌دهنده بعد اقتصادی حکمرانی است. متغیر مذکور، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد (مقدار ضریب = ۰/۰۴). به‌طور کلی، کاهش موانع بر سر راه تجارت خارجی منجر به افزایش رقابت، کاهش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان و دسترسی به بازارهای جدید برای کسب‌وکارهای داخلی می‌شود. از طرف دیگر، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه، فناوری و تخصص را به همراه خود دارد. مواردی که به افزایش بهره‌وری و ایجاد شغل کمک می‌کند.^۲

ج- برهم‌کنش لگاریتم طبیعی سرمایه انسانی

«هزینه در آموزش تحصیلات متوسطه به نسبت سرمایه‌گذاری فیزیکی» با «میانگین ساده شاخص‌های حاکمیت قانون+کنترل فساد+کارآمدی دولت» دارای ضریبی مثبت و معنادار است (۰/۰۲). این یافته اشاره دارد که افزایش نسبی در سرمایه انسانی که همراه با بهبود حکمرانی است بر رشد اقتصادی اثر هرچند کوچک، ولی مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد.

ج- برهم‌کنش لگاریتم طبیعی تجارت خارجی/سرمایه‌گذاری خارجی با حاکمیت قانون و کنترل فساد همان‌طور که قبلاً بیان شد، سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت خارجی اجزاء تشکیل‌دهنده حکمرانی اقتصادی هستند. نتایج به‌دست آمده از رگرسیون فوق به اثر مثبت و معنادار ولی بسیار کوچک (۰/۰۰۹) برهم‌کنش لگاریتم طبیعی نسبت تجارت خارجی به سرمایه‌گذاری خارجی با حاکمیت قانون و کنترل فساد بر رشد اقتصادی اشاره دارد، و نشان می‌دهد که بهبود حکمرانی اثر افزایش تجارت خارجی بر رشد اقتصادی را به‌طور محدود تقویت می‌کند.^۳

۱. به پیوست ۵ مراجعه کنید.

۲. به پیوست ۶ مراجعه کنید.

۳. استفاده از لگاریتم طبیعی برای نسبت‌ها در مؤلفه‌های برهم‌کنش مذکور، نشان از وجود بازده نزولی دارد؛ به این معنی که هرچه این نسبت بیشتر باشد، اثر آن بر رشد اقتصادی با نرخ کمتری افزایش می‌یابد.

خ- برهم‌کنش متغیرهای مجازی آسیا و اروپا با لگاریتم طبیعی تجارت خارجی

دربار آورد آرلانو-باند، استفاده از متغیرهای موهومی می‌تواند مشکل‌ساز باشد؛ زیرا آن‌ها می‌توانند منجر به مسئله درون‌زایی شوند. برای رفع این مشکل، از برهم‌کنش متغیرهای مجازی آسیا و اروپا با لگاریتم طبیعی تجارت خارجی استفاده کردیم. این متغیرها دارای اثر مثبت و معناداری هستند (به ترتیب ۰/۲۲ و ۰/۲۹). به عبارت دیگر، برای کشورهای اروپایی و آسیایی، تجارت خارجی با قدرت‌های متفاوتی بر رشد اقتصادی اثرگذار است.

در مجموع و به‌طور موجز نتایج به‌دست آمده از نمونه ۵۱ کشوری و بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۲ این مقاله تأییدی است بر آثار مثبت بهبود شاخص‌های حکمرانی و حکمرانی اقتصادی بر رشد اقتصادی؛ البته درجه اثربخشی بهبود شاخص‌های حکمرانی در کشورهای مختلف متفاوت است و بستگی به ساختارها و شرایط داخلی آن‌ها دارد. مشاهدات تاریخی اشاره دارد که در شرایطی که استانداردهای حکمرانی رو به وخامت می‌گذارند و گروه‌های فشار و ذینفعان آن‌ها از طریق نفوذ از مجاری سیاسی (و نه از مجاری رقابت منصفانه اقتصادی) منابع اقتصادی را به‌طور ناکارا به سمت گروه‌های فشار و همسود جریان می‌دهند و کنترل بیشتری بر تخصیص منابع اعمال می‌کنند، فعالیت‌های رانت‌جویی و فساد تشدید می‌شود. تضعیف ادامه‌دار و وخامت استانداردهای حکمرانی، کاهش اثربخشی دولت و دزدسالاری نه‌فقط کاهش رشد اقتصادی را در پی دارد بلکه باعث مستهلک شدن سرمایه اجتماعی، ظهور دولت درمانده^۱ و بعضاً فروپاشی اجتماعی نیز خواهد شد.

پیوست‌ها:

پیوست ۱:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- Elizabeth C. Wakerly, Byron G. Scott, and James M. Nason. "Common Trends and Common Cycles in Canada: Who Knew so Much Has Been Going on?" *Macroeconomics eJournal*, Jan. 2006. <https://doi.org/10.1111/j.0008-4085.2006.00349.x>
- Hodges, Stewart, and Andrew Carverhill. "Quasi Mean Reversion in an Efficient Stock Market: The Characterisation of Economic Equilibria Which Support Black-Scholes Option Pricing." *The Economic Journal*, vol. 103, no. 417, Mar. 1993, p. 395, <https://doi.org/10.2307/2234778>. Accessed 26 Mar. 2020.
- Taylor, Mark P. "Real Exchange Rates and Purchasing Power Parity: Mean-Reversion in Economic Thought." *Applied Financial Economics*, vol. 16, no. 1-2, Jan. 2006, pp. 1-17, <https://doi.org/10.1080/09603100500390067>. Accessed 23 Aug. 2019.

Welc, J. "Reversion toward the mean of regional economic growth- a polish experience." *Prace Naukowe Uniwersytetu Ekonomicznego we Wrocławiu*, 2016, pp. 49-56.

پیوست ۲:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- De Long, J. Bradford, and Lawrence H Summers. "How Strongly Do Developing Economies Benefit from Equipment Investment?" *Journal of Monetary Economics*, vol. 32, no. 3, Dec. 1993, pp. 395–415, [https://doi.org/10.1016/0304-3932\(93\)90024-a](https://doi.org/10.1016/0304-3932(93)90024-a). Accessed 6 Mar. 2019.
- Long, J. Bradford De, and Lawrence H. Summers. "Equipment Investment and Economic Growth." *The Quarterly Journal of Economics*, vol. 106, no. 2, May 1991, p. 445, <https://doi.org/10.2307/2937944>.
- MADSEN, JAKOB B. "A CENTURY of ECONOMIC GROWTH: THE SOCIAL RETURNS to INVESTMENT in EQUIPMENT and STRUCTURES." *The Manchester School*, vol. 73, no. 1, Jan. 2005, pp. 101–122, <https://doi.org/10.1111/j.1467-9957.2005.00427.x>. Accessed 17 Sept. 2020
- Romer, Paul M. "Increasing Returns and Long-Run Growth." *Journal of Political Economy*, vol. 94, no. 5, 1986, pp. 1002–1037.
- Solow, Robert M. "A Contribution to the Theory of Economic Growth." *The Quarterly Journal of Economics*, vol. 70, no. 1, Feb. 1956, pp. 65–94.

پیوست ۳:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- Abdelbary, Islam, and James Benhin. "Governance, Capital and Economic Growth in the Arab Region." *The Quarterly Review of Economics and Finance*, vol. 73, Aug. 2019, pp. 184–191, <https://doi.org/10.1016/j.qref.2018.04.007>.
- Gould, David M., and Roy J. Ruffin. "Human Capital, Trade, and Economic Growth." *Weltwirtschaftliches Archiv*, vol. 131, no. 3, Sept. 1995, pp. 425–445, <https://doi.org/10.1007/bf02707911>. Accessed 2 Dec. 2019.
- Hayat, Arshad. "Foreign Direct Investments, Institutional Quality, and Economic Growth." *The Journal of International Trade & Economic Development*, vol. 28, no. 5, 2 Jan. 2019, pp. 561–579, <https://doi.org/10.1080/09638199.2018.1564064>. Accessed 16 Feb. 2020.
- Saqib, Najia. "Does Human Capital Cause Economic Growth?" *SSRN Electronic Journal*, 2015, <https://doi.org/10.2139/ssrn.3288752>.
- Zilibotti, Fabrizio, et al. "Endogenous Growth Theory." *The Canadian Journal of Economics / Revue Canadienne D'Economie*, vol. 32, no. 5, Nov. 1999, p. 1338, <https://doi.org/10.2307/136487>. Accessed 11 May 2019.

پیوست ۴:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- Corchón, Luis C. "A Malthus-Swan-Solow Model of Economic Growth." SSRN Electronic Journal, 2012, <https://doi.org/10.2139/ssrn.2013962>.
- Deardorff, Alan V. "Growth Paths in the Solow Neoclassical Growth Model." The Quarterly Journal of Economics, vol. 84, no. 1, Feb. 1970, p. 134, <https://doi.org/10.2307/1879405>.
- Jensen, Bjarne S. "Dynamic Extensions of the Solow Growth Model (1956): Editorial." German Economic Review, vol. 10, no. 4, Nov. 2009, pp. 378–383, <https://doi.org/10.1111/j.1468-0475.2009.00493.x>.
- Solow, Robert M. "A Contribution to the Theory of Economic Growth." The Quarterly Journal of Economics, vol. 70, no. 1, Feb. 1956, pp. 65–94.

پیوست ۵:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- Abdelbary, Islam, and James Benhin. "Governance, Capital and Economic Growth in the Arab Region." The Quarterly Review of Economics and Finance, vol. 73, Aug. 2019, pp. 184–191, <https://doi.org/10.1016/j.qref.2018.04.007>.
- Absadykov, Aikozha. "Does Good Governance Matter? Kazakhstan's Economic Growth and Worldwide Governance Indicators." Otoritas : Jurnal Ilmu Pemerintahan, vol. 10, no. 1, 26 Dec. 2020, pp. 1–13, <https://doi.org/10.26618/ojip.v10i1.2776>.
- Adedokun, Adeniyi Jimmy. "Foreign Aid, Governance and Economic Growth in Sub-Saharan Africa: Does One Cap Fit All?" African Development Review, vol. 29, no. 2, June 2017, pp. 184–196, <https://doi.org/10.1111/1467-8268.12249>.
- Islam, Md. Rabiul, and Mark McGillivray. "Wealth Inequality, Governance and Economic Growth." Economic Modelling, vol. 88, July 2019, <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2019.06.017>.
- Kaufmann, Daniel, et al. "Governance Matters from Measurement to Action." Finance and Development, vol. 0037, no. 002, 1 Jan. 2000, <https://doi.org/10.5089/9781451952827.022.a003>. Accessed 16 Nov. 2023.
- Sikod, F, and JN Teke. "Governance and Economic Growth in Cameroon." African Journal of Economic Policy, vol. 14, no. 2, 6 Aug. 2009, <https://doi.org/10.4314/ajep.v14i2.44922>.

پیوست ۶:

برای مطالعه نتایج هم‌راستا می‌توانید به مقالات زیر مراجعه کنید:

- Hayat, Arshad. "Foreign Direct Investments, Institutional Quality, and Economic Growth." The Journal of International Trade & Economic Development, vol. 28, no. 5, 2 Jan. 2019, pp. 561–579, <https://doi.org/10.1080/09638199.2018.1564064>. Accessed 16 Feb. 2020.
- Omri, Anis, et al. "Financial Development, Environmental Quality, Trade and Economic Growth: What Causes What in MENA Countries." Energy Economics, vol. 48, Mar. 2015, pp. 242–252, <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2015.01.008>. Accessed 3 Jan. 2020.

اظهاریه قدردانی

نویسندگان از حمایت و همکاری معنوی سردبیر محترم، داوران ناشناس، کارشناسان و ویراستاران علمی و ادبی پژوهشنامه اقتصاد و برنامه ریزی کمال تشکر را دارند.

منابع:

الف) انگلیسی:

- Acemoglu, D. and Robinson, J. A. (2012). Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty. Crown Business. pp30-31. <https://DOI:10.1355/ae29-2j>
- Acemoglu, Darren (2008). Interactions between Governance and Growth: What World Bank Economists Need to Know, in Growth, Governance and Development decision Making, The World Bank, Washington D.C. April 2008, p.1.
- Arroe, J. K. (1962). "The Economic Implications of Learning by Doing," The Review of Economic Studies, Review of Economic Studies Ltd, vol. 29(3), pages 155-173. <https://DOI:10.2307/2295952>
- Barro, R. (1991). Economic Growth in a Cross Section of Countries, Oxford University Press
- Cass, D. (1965). Optimum Growth in an Aggregative Model of Capital Accumulation. The Review of Economic Studies. Volume 32, 233-240. <https://doi.org/10.2307/2295827>
- Campos, Nauro F. & Nugent, Jeffrey B., (1999). "Development Performance and the Institutions of Governance: Evidence from East Asia and Latin America," World Development, Elsevier, vol. 27(3), pages 439-452, March. [https://DOI:10.1016/S0305-750X\(98\)00149-1](https://DOI:10.1016/S0305-750X(98)00149-1)
- Dawson, J. (1998). Institutions, Investment, and Growth: New Cross-Country and Panel Data Evidence, Economic Inquiry, vol. 36, issue 4, 603-19. <https://DOI:10.1111/j.1465-7295.1998.tb01739.x>
- Dykstra, C. A. (1938). Democracy and Education, Hobart College, Vol. 36, No. 4.
- Easterly, W., & Levine, R. (1997). Africa's growth tragedy: policies and ethnic divisions. The quarterly journal of economics, 1203-1250. <https://www.jstor.org/stable/2951270> <https://DOI:10.1162/003355300555466>
- Eliot, N, Yang, L., & Elisa, N. (2019, January 1). Chapter 7 - Privacy and Security Aspects of E-Government in Smart Cities (D. B. Rawat & K. Z. Ghafoor, Eds.). ScienceDirect; Elsevier. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/B978012815032000007X>
- Grindle, M. S. (2007). Good enough governance revisited. Development policy review, 25(5), 533-574. <https://DOI:10.1111/j.1467-7679.2007.00385.x>
- Grossman, G. M., & Helpman, E. (1991). Trade, knowledge spillovers, and growth. European Economic Review, 35(2-3), 517-526. [https://doi.org/10.1016/0014-2921\(91\)90153-a](https://doi.org/10.1016/0014-2921(91)90153-a)
- Haggard, S., & Tiede, L. (2011). The rule of law and economic growth: where are we? World development, 39(5), 673-685. <https://DOI:10.1016/j.worlddev.2010.10.007>
- Hall, E., Zhang, J., Kim, E. J., Hwang, G., Chu, G., Bhatia, S., & Reddy, S. (2020). Economics of alternative dosing strategies for pembrolizumab and nivolumab at a single academic cancer center. Cancer Medicine. 2106-2112. <https://doi.org/10.1002/cam4.2888>

- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker than Others? *The Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83–116. <https://doi.org/10.1162/003355399555954>
- Howitt, P., & Aghion, P. (1998). Capital Accumulation and Innovation as Complementary Factors in Long-Run Growth. *Journal of Economic Growth*, 3(2), 111–130. <https://DOI:10.1023/A:1009769717601>
- Hufty M. (2011). Investigating policy processes: the governance analytical framework (GAF). *Research for Sustainable Development: Foundations, Experiences, and Perspectives*, University of Bern, 6, 403-424.
- Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart & Zoido, Pablo. (1999). Governance matters II. World Bank Policy Research Working Paper.
- Kaufmann, Daniel; Aart Kraay, and Pablo ZoidoLobat6n. (1999a). “Aggregating Governance Indicators.” Policy Research Working Paper no. 2195. World Bank, Policy Research Department, Washington, D.C. Available at [http:// www.worldbank.org/wbi/governance/](http://www.worldbank.org/wbi/governance/).
- Keho, Y. (2017). The Exports and Economic Growth Nexus in Cote Divoire: Evidence from a Multivariate Time Series Analysis. *Asian Journal of Economic Modelling*, 5, 135-146. <https://DOI:10.18488/journal.8/2017.5.2/8.2.135.146>
- Koopmans, Tjalling C. (1963). On the Concept of Optimal Economic Growth. Cowles Foundation. Discussion Papers, 392. <https://elischolar.library.yale.edu/cowles-discussion-paper-series/392>
- Lim, C. L., Prescott, G. W., De Alban, J. D. T., Ziegler, A. D., & Webb, E. L. (2017). Untangling the proximate causes and underlying drivers of deforestation and forest degradation in Myanmar. *Conservation biology: the journal of the Society for Conservation Biology*, 31(6), 1362-1372. <https://DOI:10.1111/cobi.12984> [PMID]
- Lucas, R. E. (1988). On the Mechanics of Economic Development. *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3–42. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/0304393288901687>
- Mankiw, N.G., Romer, D. & Weil, D. N. (1992). A contribution to the theory of economic growth. *The quarterly jornal of economics*, 65-94.
- Mauro, P (1995). Corruption and Growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681-712. <https://DOI:10.2307/2946696>
- McClosky, D. H. (2021). Institutions Matter But not as Much as Neo-institutionalists Believe: https://www.deirdremccloskey.com/docs/pdf/McCloskey_InstitutionsMatter2021.pdf.
- McClosky, D. N. (2015). Max U versus Humanomics: A Critique of Neo-institutionalism, *Journal of Institutional Economics* -1(1):1-27, March 2015, DOI:10.1017/S1744137415000053
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. United Kingdom: Cambridge University Press. <https://DOI:10.1017/CBO9780511808678>
- Olson, Mancur (1982). *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*. Published: Yale University Press.
- Ravikumar, B., D. Chainagorom-Abiakalam, and A. Smaldone (2024). Convergence or Divergence? A Look at GDP Growth Across Richer and Poorer Countries. Federal Reserve Bank of St. Louis. August 19, <https://www.stlouisfed.org/on-the-economy/2024/aug/convergence-divergence-gdp-growth-richer-poorer-c>
- Rebelo, Sergio T. (1991). “Long-Run Policy Analysis and Long-Run Growth,”. *Journal of Political Economy*, 99(3), 500-521. <https://DOI:10.1086/261764>
- Robert E. Hall & Charles I. Jones. (1999). “Why do Some Countries Produce

- So Much More Output Per Worker than Others?," The Quarterly Journal of Economics, President and Fellows of Harvard College, vol. 114(1), pages 83-116. <https://DOI:10.1162/003355399555954>
- Romer, P. M. (1994). The origins of endogenous growth. Journal of Economic perspectives, 8(1), 3-22. DOI: 10.1257/jep.8.1.3 <https://DOI:10.1257/jep.8.1.3>
- Solow, R. M. (1956). A contribution to the theory of economic growth. The quarterly journal of economics, 70(1), 65-94. <https://DOI:10.2307/1884513>
- Xu, G. David Old, J. Burgess, R. Khan, A. Besley, T. (2021). Bureaucracy and development: <https://cepr.org/voxeu/columns/bureaucracy-and-development>

(ب) فارسی:

- بور، ام. (۱۳۹۷). حکمرانی، مقدمه‌ای بسیار کوتاه (ترجمه عرفان مصلح و زهره کریمیان). تهران: نشر کرگدن. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۱۲).
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۷). مقدمه کتاب اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی، تهران: گاندی.
- موثقی، سیداحمد و کرم‌زاده، مسلم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه. فصلنامه سیاست، ۴۱(۳)، ۳۲۱-۳۴۰

نحوه ارجاع به مقاله:

جلالی نائینی، احمد رضا؛ یحیی آبادی، محمدامین، و علی‌پور، حسین (۱۴۰۳). بررسی اثر حکمرانی بر رشد اقتصادی بر پایه داده‌های پانلی. *پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی*، ۲۹(۳)، ۴۵-۷۱.

Jalali-Naini, A., yahyaabadi, M. & Alipour, H.(2024). Investigating the impact of Governance on Economic Growth Based on Panel Data. *Economic and Planning Research*, 29(3). 45-71.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.29.3.45>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

